



مشخص انجام شده، می‌توان دریافت که اتحاد جماهیر شوروی نه تنها راه حل مناقشه خاورمیانه را بسیار مهم می‌دانست، بلکه سیاست خود را بر این باور استوار کرد که علل مناقشه را می‌توان حل کرد و یک توافق کلی برای برقراری صلح عادلانه و پایدار در آن منطقه پر دردسر که رنج بسیار دیده است، حاصل کند. لئونید برژنف در سخنرانی خود در شانزدهمین کنگره اتحادیه‌های کارگری اتحاد جماهیر شوروی، بار دیگر پیشنهادهایی واقع بینانه و متعادل را که می‌تواند به حل و فصل خاورمیانه منجر شود، مطرح کرد. اتحاد جماهیر شوروی تأکید کرد که سند (یا اسناد) نهایی در مورد صلح در خاورمیانه باید بر این اصل استوار باشد که تصاحب سرزمین از طریق جنگ غیرمجاز است و بر حق همه کشورهای منطقه برای استقلال در امنیت و موجودیت خود تأکید دارد. ناگفته نماند که حقوق مسلم مردم عرب فلسطین از جمله حق تعیین سرنوشت و ایجاد کشور خود باید تضمین شود.

اسناد مربوط به صلح باید خروج نیروهای اسرائیلی از تمام اراضی عربی اشغال شده در سال ۱۹۶۷ را پیش بینی کند. خطوط مرزی مناسب بین اسرائیل و همسایگان عرب آن که مستقیماً در مناقشه درگیر هستند باید به وضوح مشخص شود و در نهایت ثابت و غیرقابل تعرض اعلام شود.

پس از خروج کامل نیروهای اسرائیلی، وضعیت جنگ بین کشورهای عربی درگیر در مناقشه و اسرائیل پایان خواهد یافت و روابط صلح برقرار خواهد شد. همه طرف‌ها تعهدات متقابلی را برای احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی، مصونیت ناپذیری و استقلال سیاسی یکدیگر و حل و فصل اختلافات بین‌المللی خود از راه‌های مسالمت‌آمیز متعهد خواهند شد. اسناد نهایی کنفرانس همچنین باید حاوی مقرراتی برای عبور آزاد کشتی‌های همه کشورها از جمله اسرائیل (پس از پایان وضعیت جنگ) از تنگه تیران و خلیج عکابه باشد طبق یک بیانیه‌ای که توسط مصر در مورد عبور کشتی‌ها از کانال سوئز که کاملاً تحت حاکمیت مصر است، ارائه می‌شود.

این پیشنهادات که توسط دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست CPSU برای حل و فصل خاورمیانه ارائه شدند به طور خاص بر تضمین‌های واقعی برای صلح عادلانه متمرکز است که شرایط آن در سند نهایی مشخص است. مناطق غیرنظامی شده‌ای که هیچ مزیت یکجانبه‌ای را برای کسی ایجاد نمی‌کند، می‌تواند در هر دو مرز تعیین شده ایجاد شود، البته با رضایت دولت‌های مربوطه و یک نیروی اضطراری سازمان ملل متحد یا ناظران سازمان ملل می‌توانند برای مدت مشخصی در این مناطق مستقر شوند.

اتحاد جماهیر شوروی در مورد معاهده مجزای مصر و اسرائیل که نتیجه توافقی است که به صراحت ضد عربی است و نمی‌تواند منجر به صلح پایدار در خاورمیانه شود، موضعی کاملاً مشخص و ثابت اتخاذ کرد. تنها یک راه حل جامع با در نظر گرفتن منافع همه مردم می‌تواند خاورمیانه را از شبکه‌های درگیری و انفجارهای خطرناک خارج کند که می‌تواند تأثیری ثبات‌کننده نه تنها بر خود منطقه بلکه بر کل سیستم روابط بین‌الملل داشته باشد.

تواند نهایی شود و ترتیب بحث در مورد جنبه‌های خاص حل و فصل می‌تواند کار کند. در مرحله دوم، پیشنهاد این بود که ماهیت توافق به تفصیل بیان شود. تأکید شد که کنفرانس باید با تصویب سند (یا اسناد) که دارای قدرت معاهده باشد پایان یابد. اتحاد جماهیر شوروی هرگز فراخوان کنفرانس ژنو را به خودی خود یک هدف ندید. مهم‌ترین چیز را نتایج مثمر‌تر و منصفانه‌تر دانست که امیدواریم حاصل شود و در این رابطه به این نکته اشاره کرد که باید با دقت آماده شود. اما اتحاد جماهیر شوروی در برابر تلاش برای به تأخیر انداختن کنفرانس و به تعویق انداختن آغاز مقدمات مقاومت می‌کرد، زیرا احساس می‌کرد که کنفرانس برای عادی‌سازی اوضاع خاورمیانه حیاتی است.

یکی از ویژگی‌های مهم این است که اتحاد جماهیر شوروی اصرار داشت که سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) در کنفرانس صلح ژنو در شرایطی برابر با سایرین شرکت کند. چرایی این مهم این است که بدون حضور «نمایندگان واقعی و به رسمیت شناخته شده مردم فلسطین، مسئله فلسطین قابل حل نیست و بدون تصمیم‌گیری در مورد آن، دستیابی به یک راه حل کلی برای مناقشه خاورمیانه غیرممکن است.» اتحاد جماهیر شوروی همواره بر حضور PLO در کنفرانس ژنو اصرار داشته است، در حالی که اسرائیل با حمایت ایالات متحده تلاش می‌کند تا مشکل فلسطین را دور بزند و آن را از روند حل و فصل حذف کند یا در صورت عدم موفقیت، یک هیئت کویسلینگ (Quisling)، هیئتی متشکل از افراد کشور اشغال شده که با نیروی اشغالگر همکاری می‌کنند و به نوعی خیانت می‌کنند. (به عنوان جایگزین نمایندگان مردم فلسطین که از حقوق مشروع فلسطینیان حمایت می‌کنند معرفی شوند.

با توجه به گفته‌های رهبران شوروی و اقدامات

را در سال ۱۹۷۰ اصلاح و تکمیل کرد. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که همه پیشنهادات شوروی در مورد حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه اعراب و اسرائیل، از جمله طرح ۱۹۶۹، صرفاً آرزوهای امیدوارکننده نبودند، بلکه شامل مجموعه‌ای دقیق از اقدامات طراحی شده برای دستیابی به صلح و حفاظت از آن بودند. ما قبلاً تأکید کردیم که این مشکلات ماهیتی همبسته دارند. در نتیجه، رویکرد اتحاد جماهیر شوروی نیز رویکردی یکپارچه است و منافع - نه منافع خیالی، بلکه واقعی - همه مردمان خاورمیانه را برآورده می‌کند.

بنابراین، طرح شوروی ۱۹۶۹ شامل اقدامات خاصی با ذکر تاریخ خروج نیروهای اسرائیلی بود که با برقراری روابط جدید صلح بین اسرائیل و همسایگان عرب آن مرتبط بود. به عنوان مثال، تصریح می‌کرد که خروج می‌تواند در دو مرحله انجام شود و تضمین مرزهای کشورهای خاورمیانه از طریق تعهدات مشخصی که دو طرف متعهد می‌شوند، به دست آید. اینها باید شامل توافق برای ایجاد مناطق غیرنظامی در دو طرف مرز باشد که هیچ مزیتی برای هیچ یک از طرفین نخواهد داشت، رژیم این مناطق منحصراً مستلزم محدودیت‌های نظامی است. استقرار نیروهای سازمان ملل در تعدادی از نقاط به همراه ضمانت‌های مستقیم توسط چهار قدرتی که در شورای امنیت حضور دارند یا تضمین‌های شورای امنیت به عنوان یک کل نیز در نظر گرفته شده است.

با نگاهی به گذشته به آنچه در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ در خاورمیانه رخ داد، می‌توان با اطمینان گفت که اگر طرح شوروی تصویب می‌شد، دیگر مردم منطقه اینقدر قربانی نمی‌دادند و می‌توانستند از همزیستی مسالمت‌آمیز برخوردار شوند. متأسفانه همه چیز اینطور پیش نرفت. اسرائیل تمام تلاش خود را برای تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» انجام داد. این کشور سرسختانه با این طرح مخالفت کرد، مانند ایالات متحده که از رهبری اسرائیل حمایت می‌کرد.

با وضعیت جدید خاورمیانه پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳، اتحاد جماهیر شوروی ایده فراخوانی کنفرانس صلح ژنو برای تصمیم‌گیری در مورد یک راه حل جامع را پیشنهاد کرد و نقطه قوت آن را مطرح کرد. کنفرانس در دسامبر ۱۹۷۳ تشکیل شد و سپس به تعویق افتاد. از آن زمان، اتحاد جماهیر شوروی همواره خواستار از سرگیری آن بوده و آن را مناسب‌ترین محل برای گفتگو درباره حل و فصل مناقشه اعراب و اسرائیل می‌داند. این ایده بار دیگر در ابتدای اکتبر ۱۹۷۶ به صراحت در پیشنهادی درباره حل و فصل خاورمیانه و در کنفرانس صلح ژنو که اتحاد جماهیر شوروی به دولت‌های ایالات متحده، مصر، سوریه، اردن و اسرائیل و به رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین ارائه کرد مطرح شد. این سند نه تنها یک دستور کار پیشنهادی بلکه سیستمی برای برگزاری کنفرانس در دو مرحله برای بررسی قرار داده است. در مرحله اول، دستور کار می

اتحاد جماهیر شوروی اصرار داشت که سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) در کنفرانس صلح ژنو در شرایطی برابر با سایرین شرکت کند. چرایی این مهم این است که بدون حضور «نمایندگان واقعی و به رسمیت شناخته شده مردم فلسطین، مسئله فلسطین قابل حل نیست و بدون تصمیم‌گیری در مورد آن، دستیابی به یک راه حل کلی برای مناقشه خاورمیانه غیرممکن است»